

یادداشت

سرمایه‌داری ملی و بابک زنجانی

در غیر این صورت و با رویکرد سیاسی-امنیتی که در پیش گرفته شده است، به بدبینی به نظام سیاسی، ترویج فساد و رانت در فرهنگ عمومی و توسعه الگارشیک نظام سیاسی منجر می‌شود. مراقب رفتار مجنون وار توده در فرهنگ عمومی باشید؛ مردمان گرسنه هممیز اخلاقی می‌دُرند. عوام‌گرایی سیاسی کلاه فریب می‌نهد و دام فساد بر مدیریت کلان می‌گسترد. سرمایه‌داری غیرمولد، جنون سیاسی برمی‌انگیزد و انگیزه پارسایی مردمان را به خاک تباهی می‌کشاند. هشدار! که «شور» سیاسی این دستگاه ناموسِیقا به «ماهور» ناگجآباد سر می‌کشد و دستگاه «همایون» را در میدان آزادی به «گوشه بیداد» می‌برد.

کار خودشونه!

کوتاه و ساده است، بار احساسی دارد. از بی‌اعتمادی و خشم تاریخی ریشه می‌گیرد و گاهی به شکل طنز بیان می‌شود و برای باورپذیریودن نیازی به توضیح فنی ندارد. اگر همه‌گیری روایت‌های عامه‌پسند را درک نکنیم، از تغییرات ایجادشده در اقتصاد، سیاست یا رفتار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نیز درک کاملی نخواهیم داشت.

به تعبیر شیلر، روایت بر دو عنصر تمرکز می‌کند؛ مسری شدن سینه‌به‌سینه باورها در قالب داستان و تلاش‌هایی که مردم برای تولید داستان‌های مسری جدید یا مسری‌ترکردن داستان‌ها انجام می‌دهند. او توضیح می‌دهد که روایت‌ها عامل عمده ایجاد تغییر سریع در فرهنگ، اتمسفر فکری و رفتار اقتصادی‌اند و گاهی حتی با مد ادغام می‌شوند. مسری‌شدن داستان بیشترین قدرت خود را زمانی پیدا می‌کند که مردم بین خودشان و یک داستان با دلیل پیدایش آن پیوند شخصی احساس کنند. در بحران مالی دهه ۳۰ یا بحران ۲۰۰۸ آمریکا، روایت‌هایی از این دست که ریشه در بی‌اعتمادی به سیستم اقتصادی آمریکا داشت، بانک‌ها و بورس را تا مرز ورشکستگی کشاند. ادبیات ما نیز بر است از این داستان‌ها و روایت‌ها که اگر کمی در ذهن‌مان مرور کنیم، به مدل‌های مختلفی از این داستان‌ها برمی‌خوریم. روایت‌های عامه که معمولا بر محور «ما در برابر آنها» شکل می‌گیرند و بیشتر از آنکه استدلال باشند، طرح‌واره‌هایی برای ساده‌سازی رخدادهاست. شاید این روایت‌ها محصول جهش‌های تصادفی در روایت‌ها هستند. روایت‌هایی که اگر نرخ سرایت کمی بالاتر یا نرخ فراموشی کمی پایین‌تر داشته باشند یا به خاطر «اولین‌بودن» مزیتی پیدا کنند، می‌توانند رقیب خود را کنار بزنند و به روایت مسلط تبدیل شوند. این رخدادها گاه به شکل‌گیری مجموعه‌های بزرگ‌تر و فراگیرتری از روایت‌ها منجر می‌شوند. «کار خودشونه» ایرانی به همین شیوه عمل می‌کند و گاهی با جعلاتی پس و پیش هم ترکیب و استفاده می‌شود و هر بار که رخدادی پیش آمده، به‌عنوان اولین و ساده‌ترین توضیح در دسترس بوده، رقیبان را کنار زده و بازتوزیع شده است.

اگر فوکویامایی به مسئله نگاه کنیم، می‌توانیم بگوییم در جامعه‌ای که نهادهای آن شفاف و پاسخگو نیستند، اتفاقاتی پیش آمده که روایت‌های مبتنی بر بی‌اعتمادی به صورت مزمن بازتولید می‌شوند. به بیان دیگر، این روایت فقط محصول ذهن بدبین یا قضای مجازی نیست، بلکه ریشه در تاریخ و تجربه مواجهه دولت و ملت دارد. هر بار که مردم احساس کنند اطلاعات کامل یا درست به دست‌شان نمی‌رسد، این نوع از روایت‌ها به‌سرعت فعال و پخش می‌شوند. در چنین شرایطی، شهروندان به این فکر می‌کنند که فاصله‌ای میان گفته‌ها و عمل وجود دارد و همین فاصله و تعلل، سوخت دائمی روایت‌هایی مانند «کار خودشونه» یا «میخوان حواس مردم رو پرت کنن» است. وقتی مردم بارها ببینند آنچه وعده داده شده، با آنچه اجرا شده متفاوت است، باور به وجود هدف‌های پنهان تقویت می‌شود. در یک جمع‌بندی اولیه و با کنار هم گذاشتن نشانه‌ها می‌توان این‌گونه گفت که پس از ابهام در دلایل وقوع یک رخداد فضا برای تفسیرهای گوناگون از جرایم وقوع باز می‌ماند و زمانی که پاسخ درست، شفاف، ساده و قابل فهم برای عموم وجود نداشته باشد، روایت آماده «کار خودشونه» به میدان برمی‌گردد، بی‌اعتمادی به ساختار به آن سوخت می‌دهد و تجربه‌های پیشین و فاصله میان وعده و عمل آن را تثبیت می‌کند و در نهایت، این ادبیات در رخدادی دیگر بازتولید و تقویت می‌شود.

در چنین شرایطی، برای عبور از این بحران روایت به مجموعه‌ای از تکه‌های پازل نیاز است. چیزی که جرد دایموند آمریکایی از آنها به‌عنوان «عوامل سازگاری» یاد می‌کند. پذیرش بحران، مسئولیت‌پذیری، شفاف‌سازی مزم مسئله، یادگیری از دیگران و بازتعریف هویت ملی بخشی از این عوامل هستند. در غیاب این عوامل روایت‌های منفی بازتولید می‌شوند. ما هم از این قاعده پیروی می‌کنیم.

پیامد این مسئله درخور توجه است. اول اینکه سیاست‌گذاری را واکنشی می‌کند و مسئولان به جای برنامه‌ریزی بلندمدت، به تکذیب فوری یا نمایش شفافیت کوتاه‌مدت بسنده می‌کنند. دوم اینکه گفت‌وگوی سازنده را مختل می‌کند و انگیزه برای بررسی علت‌های واقعی کاهش می‌یابد و آخر اینکه بی‌اعتمادی را عمیق‌تر می‌کند. حتی زمانی که رویداد علت طبیعی یا فنی داشته باشد، «کار خودشونه» میدان‌داری می‌کند. در این شرایط باید با روایت به مصاف روایت رفت. روایت را نمی‌توان تنها با توضیح و تکذیب شکست داد؛ باید روایت تازه‌ای ساخت که جایگزین روایت‌های عمومی شود. این موضوع البته یک روی ماجراست. این کار بدون اصلاح رابطه دولت و ملت و افزایش اعتماد نهادی، دام نخواهد داشت. به تعبیر پریچرت اگر شفافیت فقط در ظاهر ایجاد شود، روایت قدیمی با قدرت بیشتری بازخواهد گشت. تا زمانی که روایتی معتبر و باورپذیر و برآمده از اعتماد ساخته نشود، «ذهن جمعی» نمی‌تواند تغییرات در ساختار و رفتار سیاست‌گذاران را باور کند. چنین روایتی باید بر شفافیت به‌موقع و کامل، حتی در موارد ناخوشایند، پذیرش خطا و بیان صادقانه دلایل و شیوه انجام هر اقدام استوار باشد.

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که تغییر روایت جمعی بدون بازتعریف هویت ملی ممکن نیست. آلمان پس از جنگ جهانی دوم توانست با پذیرش گذشته و بازتعریف هویت خود به‌عنوان کشوری دموکراتیک، از زیر بار روایت شکست و جنایت بیرون بیاید. فنلاند توانست با بازسازی هویت ملی‌اش در برابر شوروی بقای خود را تضمین کند. این همان کاری است که تا دیر نشده باید سراغش برویم. جامعه برای عبور از روایت‌هایی مثل «کار خودشونه» نیازمند بازتعریف روایت ملی است، ما نیازمند بازتعریف هویت ملی و اصلاح سازوکارهای عوامل سازگاری ملی هستیم. کاری که باید پیش از این برایش اقدام می‌شد.

ما در میدان روایت همیشه باختیم. روایت جنگ تحمیلی اخیر را باختیم. روایت همدلی ملی در زمان بحران را هم باختیم. روایت کشورداری در شرایط تحریم و جنگ را هم باختیم. پیش از این هم نتوانستیم بر روایت‌های برآمده از بی‌اعتمادی عامه پیروز شویم. شکست ما در روایت، شکست در اعتمادسازی است. هر بار که حادثه‌ای رخ می‌دهد و پاسخ شفاف، به‌موقع و باورپذیر ارائه نمی‌شود، جای خالی حقیقت را روایت آماده «کار خودشونه» پر می‌کند. این روایت از جنس توطئه نیست، بلکه از دل تاریخ پرترش رابطه دولت و ملت می‌آید و مثل یک ویروس، در غیاب ایمنی نهادی، دوباره فعال می‌شود. امر ملی بدون روایت جمعی ممکن نیست و ما در دست در همین نقطه شکست خورده‌ایم. آنچه که می‌توانستیم حول یک کنش فرهنگی ساده مثل شنیدن موسیقی در میدان آزادی روایتی تازه از همبستگی بسازیم، روایت انسداد جای آن را گرفت. برای عبور از این بحران نیازمند پذیرش مسئولیت، شفافیت، یادگیری از دیگران و بازتعریف هویت ملی هستیم تا از فرسایش سرمایه اجتماعی جلوگیری کنیم. ما با روایت ملی خود را بازتعریف می‌کنیم و به بازسازی اعتماد دست می‌زنیم یا همچنان در مدار بسته روایت‌های عامه‌پسند برآمده از بی‌اعتمادی گرفتار می‌مانیم. آینده، میدان روایت‌هاست؛ و بازنده کسی است که قصه‌ای برای گفتن ندارد.

تهدیدهای نظامی واشنگتن علیه رژیم ونزوئلا شدت می‌گیرد

«نارکوتروریست» اسم رمز عملیات علیه مادورو



اما همین سفر موجب جدالی آشکار میان گرزل و مارکو روبیو شد. روبیو که سال‌ها از منتقدان سرسخت مادورو بوده، هرگونه «معامله» یا او را خیانت به سیاست فشار حداکثری می‌دانست. از آن پس، گرزل کنار گذاشته شد و روبیو عملا به چهره اصلی کارزار ضد کارتل در دولت بدل شد.

از نگاه روبیو، تعقیب قضایی مادورو به‌عنوان «قاچاقچی متهم در آمریکا» بخشی جدایی‌ناپذیر از هدف بزرگ‌تر دولت یعنی نابودی جرائم سازمان‌یافته فراملی بود. با وجود همه تهدیدها و نمایش قدرت، برخی اقدامات دولت تناقض‌آمیز بود. آمریکا همچنان پروازهای دیپورت را با مقامات ونزوئلا هماهنگ می‌کرد و حتی مجوز فعالیت شرکت نفتی شورون را تمدید کرد. این رفتارها پرسش‌های تازک‌تر درباره هدف نهایی کارزار واشنگتن ایجاد کرد. نشانه‌ها حاکی از حرکت به سوی عادی‌سازی روابط بود. به همین دلیل این آرایش نظامی ناگهانی غافلگیرکننده است. با وجود این ابهامات، سخنگوی کاخ سفید کارولین لویت بار دیگر تأکید کرد: «ترامپ آماده است از همه ابزارهای قدرت آمریکا برای توقف جریان مواد مخدر به کشورمان استفاده کند و مسئولان را به دست عدالت بسپارد». او افزود: «رژیم مادورو دولتی مشروع نیست. او یک کارتل نارکوتروریستی است و از دید این دولت، رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا محسوب نمی‌شود».

نقش واقعی ونزوئلا در تجارت مواد مخدر

یکی از نقاط اصلی اختلاف در واشنگتن، پرسش درباره میزان واقعی نقش ونزوئلا در قاچاق مواد مخدر است. لونیس مورنو، سفیر بازنشسته آمریکا که سال‌ها در حوزه مبارزه با قاچاق مواد فعالیت داشته، گفت: «منافع مالی حاصل از قاچاق تا حدی از مادورو حمایت می‌کند، اما این پول در برابر منابع نفتی و کمک‌های روسیه و کوبا جایگزینی جدی نیست». او افزود: «نیروهای امنیتی ونزوئلا از قاچاقچیان کلمبیایی رشوه‌های هنگفت دریافت می‌کنند. معلوم نیست این پول مستقیم صرف ساختارهای حکومتی شود، اما تردیدی نیست که سال‌های طولانی است که فساد گسترده در نهادهای نظامی ونزوئلا ریشه دوانده است».

گزارش‌ها نشان می‌دهد ونزوئلا درآمد قابل توجهی از تجارت کokaین، صادرات غیرقانونی طلا و اقتصاد زیرزمینی به دست می‌آورد. هرچند این کشور تولیدکننده مستقیم کokaین نیست، اما مسیر ترانزیت را برای بخشی از محموله‌ها فراهم می‌کند. سازمان ملل در گزارش‌های اخیر، کشورهای دیگری را به‌عنوان بازیگران اصلی معرفی کرده که افزایش نگاهانی قتل‌ها در آنها با رشد تجارت مواد ارتباط مستقیم دارد.

با وجود این، مارکو روبیو به‌شدت هرگونه تردید درباره نقش کلیدی ونزوئلا را رد کرده است. او گفت: «بارها گزارش‌هایی دیدم که می‌گویند ونزوئلا نقشی در قاچاق ندارد، چون سازمان ملل چنین می‌گوید. این ادعاها دروغ است. سازمان ملل به‌عنوان حامی این رژیم، اصلا نمی‌داند درباره چه حرف می‌زند».

برای مادورو منجر خواهد شد. بااین‌حال، منابع متعدد گفتند برخی مقامات معتقد بودند ادامه چنین حملاتی می‌تواند اطرافیان مادورو را تحت فشار بی‌سابقه قرار دهد. یکی از آنان به نقل از برنامه‌ریزان گفت: ایدئال این است که مادورو خودش کناره‌گیری کند. پیام ساده است: «می‌خواهید این روند با خشونت و سختی رخ دهد یا راه ساده‌تر را انتخاب می‌کنید؟».

منابع نزدیک به دولت ترامپ تأکید می‌کنند که رئیس‌جمهور هنوز تصمیمی قطعی درباره حمله مستقیم به خاک ونزوئلا نگرفته است. یک مقام ارشد گفت: «دولت عمدا با ابهام سخن می‌گوید. تاکنون نشانه‌ای وجود ندارد که ترامپ دستور اجرای حملات زمینی یا هوایی در داخل ونزوئلا را صادر کرده باشد».

بااین‌حال، دو مقام دیگر کاخ سفید به سی‌ان‌ان گفتند احتمال تکرار حملاتی مشابه در آینده متغنی نیست. به گفته یکی از آنان، ترامپ در جلسه‌ای با مشاوران امنیت ملی تأکید کرده بود «اگر فرصتی برای کشتن تروریست‌ها باشد، فورا چراغ سبز می‌دهم».

نگرانی‌های حقوقی در کنتره

در یکی، دو روز گذشته، سکوت دولت درباره پشتوانه حقوقی حمله به کشتی ونزوئلایی نگرانی‌های زیادی در واشنگتن برانگیخت. منابع آگاه خبر دادند جلسه‌ای که قرار بود صبح جمعه برای اعضای کنکره درباره این عملیات برگزار شود، در آخرین لحظه لغو شد. یکی از حاضران گفت: «کارمندان کنکره حتی در اتاق جلسه جمع شده بودند، اما ناگهان اعلام شد که نشست برگزار نمی‌شود».

یک منبع دیگر افزود: «هیچ چیز روشن نیست. دولت نه توضیحی درباره مبنای قانونی حمله ارائه کرده، نه مدرکی که نشان دهد هدف واقعا قاچاقچیان شناخته شده بوده‌اند».

کاخ سفید روز پنجشنبه نامه‌ای برای مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان و جاک گرسلی، رئیس موقت

سنا ارسال کرد. در این نامه -که نسخه‌ای از آن به دست

سی‌ان‌ان رسیده بود- دولت تأکید کرده بود که رئیس‌جمهور در چارچوب اختیارات قانون اساسی خود به‌عنوان فرمانده کل قوا عمل کرده است. اما در همان نامه نیز آمده بود: «در حال حاضر امکان تعیین دامنه و مدت‌زمان عملیات نظامی وجود ندارد. نیروهای آمریکا همچنان آماده اجرای عملیات بیشتر هستند». این جمله به روشنی نشان می‌داد که ماموریت می‌تواند گسترده‌تر و طولانی‌تر از یک حمله محدود باشد.

روبیو علیه گرزل

این تحولات در حالی رخ می‌داد که درون دولت ترامپ نیز اختلاف‌نظرهایی درباره سیاست ونزوئلا وجود داشت. ریچارد گرزل، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور، مدتی پیش در سفری غیرمنتظره به کاراکاس با مادورو دیدار کرده بود.

بازگشت او به آمریکا با شش شهروند آمریکایی که از نظر واشنگتن «به‌طور غیرقانونی بازداشت شده بودند» همراه بود و کاخ سفید این اقدام را جشن گرفت.

مطالبه‌ای که تازه نیست

حزب‌الله در تنگنا

مهسا مژده‌ی: در غیاب پنج وزیر شیعه کابینه نواف سلام، طرح پیشنهادی ارتش برای خلع سلاح حزب‌الله با موافقت روبه‌رو شد. منتقدان حزب‌الله چهار دهه است که در پی خلع سلاح این گروه لبنانی هستند و این نخستین بار نیست که حزب‌الله با بحرانی از این دست روبه‌رو می‌شود. از چهار دهه پیش به این سو حزب‌الله بارها در معرض خلع سلاح قرار داشته است، اما این گروه تا امروز توانسته با اتکا بر این موضوع که وظیفه مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل را یک‌تنه بر دوش دارد، از این بحران بگریزد. ارتش لبنان از سال ۱۹۸۲ به این سو در مقابل اسرائیل عملکردی بسیار ضعیف از خود نشان داده است. دولت لبنان از ماه آگوست تصمیم خود را برای خلع سلاح حزب‌الله اعلام کرده. قرار است از این پس تنها ارتش لبنان مالک سلاح‌هایی برای دفاع از مرزهای این کشور باشد. این اتفاق در شرایطی می‌افتد که ارتش اسرائیل پنج نقطه از لبنان را در اختیار دارد و به‌طور مداوم دست به حملاتی در این کشور می‌زند.

تاریخچه یک بحران

از سال ۱۹۸۶ به این سو مزمزه خلع سلاح نیروهایی غیر از ارتش لبنان مطرح بوده است. توافق‌نامه طائف در سال ۱۹۸۹ که به جنگ داخلی ۱۵ساله لبنان پایان داد، بر انحلال همه شبه‌نظامیان تأکید می‌کرد، اما حزب‌الله به‌طور ویژه‌ای مستثنا شد؛ با این توجیه که شبه‌نظامی نیست بلکه جنبش «مقاومت» علیه اشغال اسرائیل در جنوب لبنان است. در آن زمان نیروهای دفاعی اسرائیل همچنان بخشی از خاک لبنان را اشغال کرده بودند و دولت لبنان به‌تغیاتی توان آزادسازی جنوب را نداشت. ضعف ارتش لبنان در مقابله با بحران‌های فراوان این کشور موجب شد حزب‌الله به مرور به یک نیروی سیاسی و نظامی شاخص در این کشور تبدیل شود. اوج این حضور در

گزارش

بازتعریف پیمان ۳۸ ساله موشکی

شرق: دولت ترامپ در اقدامی بحث‌برانگیز آماده است پیمان ۳۸‌ساله کنترل فناوری موشکی را به‌گونه‌ای تازه تفسیر کند تا فروش پهپادهای پیشرفته به کشورهای خارجی آزاد شود؛ تغییری که می‌تواند بازار جهانی تسلیحات و معادلات ژئوپلیتیک را دگرگون کند. به گزارش روتیزر، یک مقام آمریکایی و چهار منبع آگاه فاش کردند که ترامپ قصد دارد پهپادهای تهاجمی «ریبر» و مدل‌های مشابه را مانند جنگنده‌های سرنشین‌دار طبقه‌بندی کند، نه به‌عنوان سامانه‌های موشکی. این بازتعریف حقوقی، ایالات متحده را از محدودیت‌های پیمان چندجانبه «رژیم کنترل فناوری موشکی» (MTCR) که از سال ۱۹۸۷ اجرا می‌شود، معاف می‌کند.

براساس این سیاست، فروش بیش از صد فروند پهپاد MQ-۹ رپر به عربستان سعودی -که ریاض در بهار درخواست آن را داده بود- می‌تواند بخشی از معامله تسلیحاتی ۱۴۲ میلیارد دلاری شود که در ماه می اعلام شد. افزون بر عربستان، متحدان آمریکا در اروپا و اقیانوس آرام نیز خواستار دسترسی به این فناوری هستند.

این تغییر علاوه بر ریاض، دروازه را به روی کشورهایمانند امارات متحده عربی و برخی کشورهای اروپایی شرقی می‌کشاید که مدت‌ها در انتظار خرید پهپادهای پیشرفته آمریکایی بودند.

شرکت‌هایی مانند جنرال اتمیکس، کراوس و اندوریل که تولیدکننده پهپادهای بزرگ هستند، از این تغییر بیشترین سود را خواهند برد. با قرارگرفتن محصولات آنان ذیل فروش‌های نظامی خارجی وزارت خارجه، صادرات این پهپادها آسان‌تر می‌شود. یک مقام آمریکایی گفت این اقدام «بخش نخست بازگری بزرگ در برنامه فروش‌های نظامی خارجی ایالات متحده» خواهد بود.

سخنگوی وزارت خارجه از اظهارنظر در این‌باره خودداری کرد، اما روشن است که تولیدکنندگان آمریکایی در رقابتی سخت با رقبایی از اسرائیل، چین و ترکیه قرار دارند. اسرائیل و چین عضو MTCR نیستند و به همین دلیل آزادانه‌تر در خاورمیانه فروش داشته‌اند. ترکیه نیز اگرچه در سال ۱۹۹۷ به پیمان پیوست، اما با پهپادهای سبک‌تر باایرکستار TB2 به بازار اوکراین راه یافت و کارایی آنها را در جنگ با روسیه به نمایش گذاشت. پهپادها اکنون بخشی جدایی‌ناپذیر از میدان‌های نبرد مدرن هستند. روسیه از پهپادها برای حمله به اوکراین بهره می‌گیرد. آمریکا اما تاکنون از فروش پهپادهای بزرگ به کیف خودداری کرده تا فناوری‌های پیشرفته به دست دشمن نیفتد. یک مقام آمریکایی به روتیزر گفت: «رهنامه‌ای تازه باعث می‌شود ایالات متحده به تأمین‌کننده اصلی پهپاد در جهان بدل شود به‌جای آنکه این عرصه را به ترکیه و چین واگذار کند». هنوز تاریخ دقیق رونمایی از دستورالعمل تازه اعلام نشده اما انتظار می‌رود در قالب بازنگری کلی برنامه فروش‌های نظامی خارجی در سال جاری منتشر شود. این تغییر هزمان با توسعه نسل تازه‌ای از پهپادهای جت‌موتور است که می‌توانند در کنار جنگنده‌های سرنشین‌دار به‌عنوان «بال‌مرد» عمل کنند؛ بازاری که کارشناسان آن را بسیار سودآور می‌دانند.

آکهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده انجمن آکوستیک و ارتعاشات ایران ثبت شده به شماره ۲۵۶۵۸
بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن آکوستیک و ارتعاشات ایران دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ ساعت ۱۰:۳۰ در تهران خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، بعد از خیابان ابن سینا، خیابان ۲۵، کوچه میر محمد صادقی، پلاک ۵ شورای انجمن‌های علمی تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱ - استماع گزارش هیئتمدیره ۲ - بررسی و تصویب ترازنامه و صورت سود و زیان عملکرد سال منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۱۴۰۳ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع می‌باشد.
هیئت مدیره انجمن

برگ سبز خوردو سواری پژو پارس TU۵ رنگ سفید روغنی مدل۱۳۹۸ به نام آقای نصرت الله سلمان زاده به شماره شاسی: NAAN1۱FE۵KH۵۴۳۸۵۴
و شماره موتور: ۱۳۹B۰۱۴۹۵۱۴
و شماره پلاک ۳۰ ایران ۸۶۳ ۵۵۵
مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز پراید صبا سفید روغنی مدل۱۳۷۹ به شماره پلاک: ۵۹ق ۲۳۳ ایران ۳۰ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۷۹۶۳۹۶۱
و شماره موتور: ۰۰۱۵۰۲۱۵
به نام محمدرضا حسین پور باکدملی ۳۹۲۰۶۰۱۹۴۷ مفقود شده وفاقد اعتبار است.